

رویکرد عملگرا نسبت به ترجمه فارسی به انگلیسی اثر فیه ما فیه از مولانا

زهرا مسروری

کارشناسی ارشد مترجمی زبان انگلیسی دانشگاه آزاد اسلامی تبریز

چکیده

مولانا شاعر ایرانی قرن سیزدهم بود. اشعار او به طور گسترده ای به بسیاری از زبان های جهان ترجمه شده و به قالب های مختلف منتقل شده است. مولانا دست نوشته ای برای ما به جا گذاشته است که چندان شناخته شده نیست - مجموعه گفتارهایی که در مجالس با شاگردانش ارائه شده است. پژوهش حاضر با رویکردی عمل گرایانه به تحلیل فیه ما فیه مولانا، اثری شگفت انگیز در دنیای ادبیات پرداخته است. برای انجام این کار، برخی از فصول فیه ما فیه که توسط آربری ترجمه شده است، از منابع آنلاین گردآوری شده و به دقت مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در این پژوهش از نمونه گیری هدفمند استفاده شده است. از مجموع ۷۱ بخش فیه ما فیه که توسط آربری از فارسی به انگلیسی ترجمه شده است، ۱۰ بخش به عنوان نمونه تحقیق حاضر انتخاب شد. نمونه آماری به کار رفته در این تحقیق با به کارگیری رویکرد عمل گرایانه مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهند گرفت. نتایج این پژوهش، محدودیت های موجود در مطالعات تطبیقی شاعران و فرآیند ترجمه را برطرف خواهد کرد. این مطالعه محققین را به درک بهتر آثار مولانا و شکسپیر ترغیب می کند. بررسی این پژوهش، به علاقه مندان کمک خواهد کرد تا دنیای گسترده ای از معنویت و تصوف را در رابطه با مولانا کشف کنند.

واژه های کلیدی: رومی، مولانا، فیه ما فیه، رویکرد عملگرا.

۱- مقدمه

کتاب فیه ما فیه مولانا برگرفته از یک سلسله گفتار میباشد که به صورت نشر درآمده است. این کتاب علاوه بر این که منبعی برای درک ذهن مولانا است، بلکه برای درک عرفان اسلامی (تصوف) نیز بسیار کارآمد می باشد. این اثر متشکل از نامه هایی است که مولانا برای افراد مختلف نوشته بود. کتاب فیه ما فیه به عنوان منبع مهمی برای درک دوره تاریخی اطراف و برای زندگی شخصی مولانا در نظر گرفته می شود. مکالیسی سبا (هفت خطبه)، تلفیقی از هفت خطبه مولوی است (گلپینارلی، ۱۳۹۱). این کتاب با عنوان گفتارهای مولانا توسط آربری در سال ۱۹۶۱ میلادی به صورت آزاد به انگلیسی ترجمه شده است و شامل ۷۱ گفتار است.

ترجمه شعر مولانا به زبان انگلیسی بسیار چالش برانگیز است، زیرا بسیاری از معانی وابسته به ارجاعات فرهنگی و مذهبی است که عمدتاً در بین مخاطبان انگلیسی از بین رفته است. اکثر مترجمان صرفاً متن خام را ترجمه می کنند که به تنهایی واقعا کافی نیست.

ترجمه عملگرایانه منجر به بررسی معادلات زبانی در ترجمه می شود. دو نوع کلی از اصول راهبردهای عملگرایانه را می توان اتخاذ کرد. اولین اصل در این رویکرد، انتقال اطلاعات اصلی و هدف متن اصلی می باشد و اصل دیگر، حفظ شناخت خواننده است. در فرآیند ترجمه انگلیسی، مترجمان باید آگاهانه مقایسه های عمل گرایانه انجام داده و تفاوت های عملی موجود در دو زبان را بیابند. برای تحقق ترجمه معادل، باید به استراتژی، حذفیات متن اصلی، سازماندهی مجدد، بازنویسی، توضیح و سایر پردازش ها توجه زیادی داشت و اطلاعات اصلی و هدف متن اصلی را به صورت انعطاف پذیر ترجمه کرد. ترجمه باید با هنجارهای متنی زبان ترجمه شده، عادات بیانی خوانندگان ترجمه، روانشناسی پذیرش، ارزش ها و غیره مطابقت داشته باشد، شناخت خواننده حفظ شده و زمینه پذیرش آسان ترجمه متن را برای خواننده فراهم کند.

ترجمه عبارات و لغات ناشناخته از یک کتاب اسلامی و تصوف، به فرهنگی متفاوت همانند فرهنگ نگلیسی، دشواری ها، مشکلات و سوء تفاهم هایی را به همراه دارد. یافتن معادل های واژگانی برای مواردی که برای فرهنگ گیرنده شناخته شده نیستند بسیار دشوار است. اگر این ترجمه ها کیفیت کافی را نداشته باشند، خوانندگان مطالب را به درستی درک نمی کنند. بزرگ ترین تغییری که در ترجمه فیه ما فیه در مقایسه با نسخه اصلی آن مشاهده شد، حذف عباراتی مانند «رضوان الله تعالی علیه» پس از اشارات به شخصیت مقدس یا پیامبران است که راه مناسب و به رسم ادب و احترام در این کتاب به کار رفته است. سخن گفتن به سبک مولانا، امروزه نیز در برخی از نقاط جهان وجود دارد. همچنین مولانا اشارات متعددی به قرآن و نقل مکرر از آن دارد که بسیاری از خوانندگان این کتاب از آن مطلع نخواهند شد.

پیشینه پژوهش

بیکر^۱ (۱۹۹۸) ترجمه را اینگونه تعریف می کند: "مترجم متخصصی است که وظیفه اش تولید فرستنده های پیام است که در انتقال پیام بین دو فرهنگ متفاوت استفاده می شود. برای انجام این کار، آن مترجم باید در یک مکان خاص و در یک زمان خاص، یک محصول خاص برای یک هدف خاص را داشته باشد." (بیکر، ۱۹۹۸، ص. ۴).

¹ Baker (1998)

یعنی ترجمه انتقال ساختار و معنای زبانی از زبان اصلی به زبان مقصد می باشد. این فرآیند انتقال منجر به هدف خاصی می شود، یعنی به عنوان یک وسیله ارتباطی فرهنگی بین مردم دو فرهنگ متفاوت عمل می کند. یعنی ترجمه را می توان به عنوان مجموعه‌ای از تغییرات در سطح زبانی و در سطح فرهنگی در نظر گرفت که در آن یک متن خاص تولید می شود. تعریف دیگری از ترجمه این است که نیدا و تابرا^۲ (۱۹۸۲) آن را تعریف می کنند: «ترجمه، تولید مجدد نزدیکترین معادل طبیعی پیام از زبان مبدأ به زبان گیرنده است که ابتدا از نظر معنایی و سپس از نظر سبک زبانی معادل سازی می شود.

بنابراین، تقریباً همه محققان و مترجمان در مورد این که معادل سازی مهمترین بخش ترجمه است اتفاق نظر دارند. بر این اساس، محققان ترجمه را به بخش های مختلفی تقسیم کرده اند. همانند ترجمه رسمی در مقابل پویا (نیدا، ۱۹۶۴)، ترجمه معنایی در مقابل ترجمه ارتباطی (نیومارک^۳، ۱۹۹۱). معادل معنایی در مقابل عملکردی (بل^۴، ۱۹۹۱)، ترجمه پنهان در مقابل آشکار (هاوس^۵، ۲۰۰۱)، ترجمه غیرعملی در مقابل عملگرا (ویلس^۶، ۱۹۸۲). این دوگانگی در ترجمه، به اصل معادل سازی بین دو متن مبدأ و مقصد می پردازد. با این حال، معادل سازی می تواند از ترجمه ای به ترجمه دیگر متفاوت باشد، به عنوان مثال، درجات مختلفی از معادل یابی وجود دارد. نیدا (۱۹۶۴) بین دو نوع معادل جویی رسمی و پویا تمایز قائل شد. گاهی از معادل رسمی به عنوان ترجمه تحت اللفظی یاد می شود.

حاتم و مندای^۷ (۲۰۰۴) این مورد را که معادل سازی رسمی رابطه بین دو متن منبع و مقصد می باشد را رد می کنند. که در آن جایگزینی کلمات صرفاً رسمی است با این حال، این نوع معادل سازی همیشه هنگام ترجمه متن مبدأ به زبان مقصد، یعنی ترجمه واحد زبانی اصلی، ساختار دستوری، و نقطه گذاری و نادیده گرفتن معنا و عوامل اضافی زبانی متن اصلی، در دسترس پیام نیست. ممکن است متن در حین ترجمه از برخی جنبه ها سوء استفاده کند. از این رو، معادل رسمی را نمی توان همیشه به عنوان یک ترجمه خوب در نظر گرفت، همانطور که در مثال نیدا (۱۹۶۴) از کتاب مقدس است این اتفاق افتاده است، که در آن عبارت "بره خدا" به "مهر خدا" برای اسکیموها تبدیل می شود، زیرا بره در فرهنگ آنها نماد بی گناهی نیست. نوع دوم معادل یابی نیدا و تابرا (۱۹۸۲) معادل یابی پویا است. آنها این معادل یابی را به عنوان اصل ترجمه تعریف می کنند که در آن مترجم متن مبدأ را ترجمه می کند به این معنی که همان میزان تأثیری که بر مخاطبان متن مبدأ دارد بر مخاطبان متن هدف ایجاد می کند. به عبارت دیگر، با استفاده از معادل پویا، مترجم سعی می کند افکار و ایده های متن مبدأ را بخواند و بفهمد و بدون در نظر گرفتن فرم، آنها را به زبان مقصد ترجمه کند. کاتفورد^۸ (۱۹۶۵) فرض می کند که عدم معادل یابی ناشی از دو عامل است که شامل عوامل زبانی و عوامل فرهنگی/عملی است. در نتیجه، در اینجا احتمالاً دو نوع معادل سازی شامل، معادل زبانی و معادل فرهنگی یا عمل گرایانه پدیدار می شود. دومی به عوامل

² Nida and Taber (1982)

³ Newmark, 1991

⁴ Bell, 1991

⁵ House, 2001

⁶ Wilss, 1982

⁷ Hatim and Munday (2004)

⁸ Catford (1965)

اضافی زبانی می پردازد، در حالی که اولی بیشتر به دستور زبان، ساختار و واژگان زبان و همچنین به حوزه معنایی زبان می پردازد.

عملگرایی و ترجمه

معنای واقعی یک بیان را می توان با تحلیل معنای زمینه ای از طریق عمل شناسی دریافت کرد. متون معنایی ندارند. بلکه در تولید متون افراد معنا را مد نظر دارند. بنابراین مترجم به عنوان تولیدکننده متون سعی می کند ابتدا معنای مورد نظر نویسنده را در متن مبدأ درک کند، سپس متنی را که معادل متن مبدأ است و همان معنای مورد نظر و تأثیری را که بر مخاطب متن مبدأ دارد، باید اعمال کند. (بالیم و ویلکز^۹، ۱۹۹۱).

جنبه های عملی در فرهنگ های مختلف متفاوت است. بنابراین مترجم ابتدا باید تلاش کند تا به یک درک عملگراییانه بین فرهنگی دست یابد. این امر تنها در صورتی ممکن است که یک مترجم آگاه موقعیتی را که متن اصلی در آن قرار گرفته است، به عنوان وسیله ای برای انتقال معنا و کمک به خواننده برای درک معنای اصلی در متن جدید به کار برد. بر این اساس، مترجم ممکن است تأثیری مشابه بر خوانندگان جدید خود داشته باشد (ارمن^{۱۰}، ۱۹۹۳).

یکی از بحث های اصلی رویکرد عملگرا این است که معنای اعمال و باورهای انسان در پیامدهای آنها یافت می شود. نیروهای بیرونی تعیین کننده انسان نیستند. انسان ها با به کارگیری اعمال و هوش خود به تجربه خود می توانند خود را شکل دهند. عملگراها معتقدند که هیچ دو انسانی تجربیات کاملاً یکسانی ندارند، بنابراین جهان بینی آنها نیز نمی تواند یکسان باشد. با این حال، درجات تجربیات مشترک همیشه بین هر دو نفر متفاوت است که منجر به درجات متفاوتی از باورهای مشترک می شود. به گفته لیچ^{۱۱} (۱۹۸۳)، چارلز موریس^{۱۲} (۱۹۷۴) اولین تعریف مدرن از عمل شناسی را ارائه کرد و از آن زمان بسیاری از متخصصان دیگر به فهم این شاخه از زبان شناسی ادامه دادند.

موریس (۱۹۷۴) در اصل عمل شناسی را این گونه تعریف کرده است: «رشته ای که روابط علائم زبانی را با مفسران مطالعه می کند، در حالی که معناشناسی روابط علائم را با اشیایی که علائم برای آنها قابل اعمال است مطالعه می کند». سپس، کریستال^{۱۳} (۱۹۸۶، ص ۲۴۰)، عمل شناسی را این گونه تعریف کرد: «مطالعه زبان از دیدگاه کاربران، به ویژه در مورد انتخاب هایی که انجام می دهند، محدودیت هایی که در استفاده از زبان در تعامل اجتماعی با آن مواجه می شوند، و تأثیرات آن استفاده از زبان بر سایر شرکت کنندگان در یک عمل ارتباطی تأثیر می گذارد. این تعریف، عمل شناسی را از دیدگاه کاربران تحلیل می کند. انتخاب های متفاوتی را در نظر می گیرد که گویندگان در هنگام استفاده از زبان مقصد، بسته به تعامل اجتماعی ارتباطشان، می توانند به کار گیرند.

⁹ Ballim and Wilks, 1991

¹⁰ Ehrman, 1993

¹¹ Leech (1983)

¹² Charles Morris (1974)

¹³ Crystal (1986, p.240)

مفهوم انتخاب منجر به استفاده از جنبه دیگری می شود که برای زبان آموزان بسیار مفید است، که به معنای توسعه توانایی انتخاب درست در میان انواع عناصر عملی می باشد. بعدها، کاسپر و بلوم-کولکا^{۱۴} (۱۹۹۳، ص. ۳)، عمل شناسی را به عنوان "مطالعه درک مردم و تولید کنش زبانی در موضوع خاص" تعریف کردند. در اینجا، کلمات کنش و موضوع گنجانده شده است که دو عنصر اساسی کنش گفتاری در زبان هستند. کاسپر و بلوم-کولکا (۱۹۹۳) از اصطلاح کنش زبانی برای اشاره به ظرفیت یادگیرنده برای تولید یک گفتار استفاده کردند. آنها همچنین بر درک مطلب و همچنین تولید تأکید دارند، تمایزی که به ویژه با زندگی روزمره زبان آموزان زبان دوم ارتباط دارد.

اخیراً عمل شناسی به عنوان مطالعه زبان مورد استفاده در ارتباطات و روابط بین جملات و زمینه ها و موقعیت هایی که در آنها به کار می رود در نظر گرفته می شود. به عنوان مثال، یول (۲۰۱۰)، عمل شناسی را به عنوان "مطالعه معنای سخنرانان، یا "معنای گویندگان" و مطالعه معنای "نامرئی" تعریف می کند یا اینکه چگونه ما مقصود جمله را تشخیص می دهیم حتی زمانی که واقعاً گفته یا نوشته نشده است. پیش از این، فرومکین و رادمن^{۱۵} (۱۹۹۳) در این رابطه به «زمینه» یک جمله یا گفتمان و اهمیت موقعیت در تفسیر زبان اشاره کرده اند. به گفته آنها، بررسی کلی چگونگی تأثیر موقعیت بر روش. جملاتی که اطلاعات را منتقل می کنند، عمل شناسی نامیده می شود.

اصطلاح عمل شناسی از حوزه علامت شناسی یا مطالعه علائم به وجود می آید. در علائم شناسی، نحو به معنای «شیوه چیدمان علائم»، معناشناسی به معنای «معنی یا دلالت علائم» و عمل شناسی به معنای «رابطه بین علائم و کاربران آنها» است. بنابراین، عمل شناسی با استفاده مردم از زبان در زمینه‌ها مرتبط است، بنابراین بخشی از آن چیزی است که «عملکرد زبانی» نامیده می شود. در این رابطه، تعریف استالناکر صریح تر است (همانطور که در میسون و هتیم، ۱۹۹۷، ص ۹ ذکر شده است)، "عملگرایی مطالعه اهدافی است که جملات برای آنها استفاده می شود، شرایط دنیای واقعی که تحت آن یک جمله ممکن است به طور مناسب به عنوان یک گفته استفاده شود." از طریق عمل شناسی، معنای متنی برای کشف معنای «واقعی» مورد بهره برداری و تحلیل قرار می گیرد.

در عمل شناسی صحبت کردن در مورد معنای ضمنی و مورد نظر، مفروضات و اهداف افراد در ارتباطات و کارهای مختلف، بسیار مهم است ناتوانی معناشناسی در تبیین موفق مولفه های اجتماعی-زبانی و سایر مؤلفه های غیرزبانی ارتباط کلامی باعث ایجاد عمل شناسی شد. بنابراین، عمل شناسی یک رشته مطالعاتی نسبتاً جدید است که مرزهای مشترکی با زبان شناسی اجتماعی و معناشناسی دارد. عملگرایی گفتمان در عمل است، عملی که توسط جامعه یا طرفین تعیین می شود. زمانی که کنش توسط جامعه تعیین می شود، تقریباً مرتبط با بعد اجتماعی زبان شناسی می شود، اما زمانی که نیاز به چیزی بیشتر از معنای مورد نظر باشد، به سمت معناشناسی متمایل می شود.

¹⁴ Kasper and Blum-Kulka (1993, p.3)

¹⁵ Fromkin and Rodman (1993)

ورشورن^{۱۶} (۱۹۹۹) عمل‌شناسی را به عنوان یک دیدگاه کلی شناختی، اجتماعی و فرهنگی توصیف می‌کند که در مورد پدیده زبانی است که در اشکال رفتار استفاده می‌شود. این نتیجه از این واقعیت حاصل می‌شود که عمل‌شناسی شاخه‌ای نسبتاً جدید از زبان‌شناسی است که روش جدیدی برای نگاه کردن به زبان ارائه می‌دهد. بر اساس حالت ترجمه‌گفتمانی و ارتباطی، معیارهای عملی را می‌توان در سه سطح متنی، گفتمانی و ارتباطی به شرح زیر تحلیل کرد:

- ۱- سطح متنی: الف) پارامترهای واژگانی و معنایی متن مبدأ، بیانگر مقاصد عمل‌گرایانه نویسنده (مثلاً عبارات محاوره‌ای یا ارزش) است که ممکن است روند ترجمه را با مشکل روبرو کند و برای خواننده هدف، عجیب به نظر برسد. ب) ویژگی‌های نحوی متن مبدأ (جملات ساده، مرکب، غیرشخصی و مختصر، تغییر ترتیب کلمه، تقسیم زمانی متن مبدأ، جملات تعجبی، سؤالات بلاغی، جملات تشبیهی، ادغام گفتار مستقیم و غیر مستقیم)، ج) پارامترهای دستوری یک متن مبدأ (افعال وجهی، استفاده خاص از مصدرها و حروف که ممکن است برای مخاطب هدف غیرمعمول به نظر برسد) و د) پارامترهای سبکی یک متن مبدأ: ترکیبی از سبک‌های کاربردی در یک متن. ابزارهای سبکی (استعاره‌ها، لقب‌ها، شخصیت‌ها، تشبیهات و غیره)؛ ضرب‌المثل‌ها و واحدهای عبارتی می‌باشد.
- ۲- سطح گفتمانی: اهداف گفتمان، نقاط موصولی گفتمان، حوزه زمانی، حوزه گفتمان، وضعیت گفتمان (وضعیت، تعداد و ویژگی‌های اجتماعی شرکت‌کنندگان)
- ۳- الف) کارکردهای ارتباطی: شناختی، ارتباطی، انگیزشی، عاطفی، فرازبانی و زیبایی شناختی و ب) ویژگی‌های معمولی ارتباط که ممکن است برای مخاطب هدف غیرعادی به نظر برسد.

مولانا و زبان پیچیده او

اشعار مولانا به طور گسترده به بسیاری از زبان‌های جهان ترجمه شده است و به قالب‌های مختلف منتقل شده‌اند. از مولانا به عنوان «محبوب‌ترین شاعر» و «پرفروش‌ترین شاعر» در ایالات متحده یاد شده است. آثار مولانا بیشتر به فارسی نوشته شده است، اما گاه از ترکی، عربی و یونانی نیز در شعر خود استفاده کرده است (شمیل، ۱۹۹۳، ص. ۹۳). مثنوی او که در قونیه سروده شده است، یکی از بزرگترین اشعار زبان فارسی به شمار می‌رود. آثار او امروزه به طور گسترده‌ای به زبان اصلی در سراسر ایران بزرگ و جهان فارسی زبان گاردت خوانده می‌شود (فرانکلین، ۲۰۰۰). ترجمه‌های آثار او به‌ویژه در ترکیه، آذربایجان، آمریکا و جنوب آسیا از محبوبیت بالایی برخوردار است.

بارکس شعر مولانا را «راز گشایش دل» توصیف کرد، چیزی که به گفته خود مولانا به زبان نمی‌توان بیان کرد. او برای رسیدن به آن چیز غیرقابل بیان، در رابطه با آثار مولانا آزادی عمل به کار برده است. چیزی که به کار برده است، اشاره به اسلام را به حداقل رسانده است. بارکس می‌گوید: خواندن قرآن سخت است. سینان آنتون، نویسنده و مترجم، گفت: «زبان فقط یک وسیله ارتباطی نیست. این یک مخزن حافظه، سنت و میراث است.» مترجمان به عنوان مجرای بین دو فرهنگ، پروژه‌ای ذاتاً سیاسی را بر عهده می‌گیرند. آنها باید دریابند که چگونه می‌توانند، برای مثال، یک شاعر پارسی قرن سیزدهم را برای مخاطب معاصر آمریکایی قابل درک کنند. اما آنها

¹⁶ Verschuieren (1999)

موظفند به اثر اصلی وفادار بمانند - عملی که در مورد مولانا، به خوانندگان کمک می‌کند تا بفهمند که یک استاد شریعت نیز می‌تواند اشعار عاشقانه ای بنویسد که در جهان بیشترین خواننده را داشته باشد.

آشنایی با مولانا در آمریکا پدیده ای کاملاً جدید است. تا اواسط قرن نوزدهم، نه تنها مولانا بلکه حتی تصوف نیز در میان روشنفکران ایالات متحده به سختی شناخته شده بود. کل ادبیات صوفیانه، از جمله اشعار مولانا، با راهنمایی فکری مستشرقان اروپایی خوانده می‌شد که تصوف را به عنوان یک سنت فرااسلامی تفسیر می‌کردند که با ویژگی‌های پانته ایستی و آریایی شکل گرفته بود. اشاره به نام مولانا که در آن مقطع زمانی به عنوان دشلال الدین شناخته می‌شد، فقط با ارجاعات گذرا از ماوراء گرایان شروع شد که از طریق ترجمه‌های بارون فون هامر-پورگستال و فگ با مولانا و تصوف صورت گرفت. در اوایل دهه ۱۹۰۰، علاقه‌ی روز افزون به «حکمت شرقی»، که تا آن زمان عمدتاً ماهیت متنی داشت، فعالان سنت‌های مذهبی غیریهودی-مسیحی را بر آن داشت که در سطح شخصی با لیبرال‌های مذهبی درگیر شوند. با این حال، بسیاری از معلمان روحانی «شرقی»، چه استادان ذن، چه یوگی‌های هندو و چه صوفی‌ها، به ایالات متحده رفتند. به لطف آشنایی حقیقی با چنین شخصیت‌هایی، نام مولانا تقریباً شناخته شد. خصوصاً، آموزه‌های «جهان‌شمول» حضرت عنایت‌خان، که از سوی استادش برای هماهنگ کردن شرق و غرب منصوب شده بود، شامل متون منتخب روم می‌باشد.

تمام تجربه‌های مولانا، حوزه قلمرو تصاویر موجود در آگاهی او را به گونه‌ای تحریک می‌کند که تصاویر دقیق آنها در ذهن او ایجاد شود. به عبارت دیگر، او تجربیات فراتر از تصاویر و توصیفات را در حوزه تصاویر آگاهی خود دوباره تجربه می‌کند. این حوزه از تصاویر در فلسفه صوفیانه، عالم تصاویر ازلی (عالم المثل) نامیده می‌شود که مولانا آن را قلمرو تصاویر ذهنی می‌نامد. این جهان تصاویر ازلی، یک جهان غیر مادی مستقل است که در آن حتی مفاهیم ناب از طریق تصاویر ظاهر می‌شوند و مادیات در صورت‌ها و تصاویر غیر مادی خود بروز می‌کنند. در لحظه عبور از حالت آرامش مطلق به حالت فعالیت در هوشیاری، تصاویر بی‌شماری به طور ناگهانی در آگاهی او پدیدار می‌شوند که از ورود به ذهن به وجد آمده‌اند و هر یک از آن تصاویر کلمه‌ای را انتخاب می‌کنند تا بیان مستقیم زبانی خود را به دست آورند. از آنجا که کلمات و عبارات مولانا در چنین فرآیندی به صورت زبانی بیان می‌شوند، کلام او با اخلاص لذت‌بخش تصاویر رنگ آمیزی می‌شود. در چنین حالتی سخنانی را به زبان می‌آورد که خارج از کنترل اوست. به همین دلیل اینگونه می‌گوید: «من کنترلی بر روی حرف‌هایم ندارم، و این برایم عذاب آور است، زیرا می‌خواهم به دوستانم توصیه کنم. اما کلمات توسط من هدایت نمی‌شوند. به همین دلیل احساس تأسف دارم. اما با توجه به این که سخنان من فراتر از من است و تابع آنها هستم، خوشحالم هر جا که سخنان خدا می‌آید جان می‌بخشد و تأثیرات عمیقی دارد. (ماتسوموتو ۱۷، ۲۰۰۹).

در کنار این دشواری‌ها، ممکن است غیر سیستماتیک بودن آثار مولانا جنبه‌های مثبتی داشته باشد. متونی که به عنوان غیر جزمی نشان داده می‌شوند ممکن است برای خوانندگان نظام‌های فکری مختلف جذاب باشند. شاید این نیز تا حدودی بیانگر دلیل شناخته شدن مولانا و خواننده شدن آثار او در سراسر جهان باشد. لوئیس^{۱۸} (۲۰۰۸) اظهار داشت که صلاحیت علمی مولانا برای تألیف آثار سیستماتیک کافی است، با این حال او به قصد این روش خاص را برای بیانات خود انتخاب کرده است. دلیل این ترجیح بهینه‌سازی روانی کلام و هدایت خواننده به تفکر و

¹⁷ (Matsumoto, 2009)

¹⁸ Lewis (2008)

ورود به تجربه از طریق کسب دانش بود. در این راستا، متون مولانا، به‌ویژه مثنوی‌ها را می‌توان منابعی دانست که هدفشان کمک و هدایت رشد معنوی است که به طور عمده بر اساس تجربه بوده و از دغدغه‌های علمی مجزاست. بنابراین در این پژوهش، به جای تلاش برای ترسیم مفاهیم مولانا، ماهیت و متافیزیک انسان، تمرکز بر عشق و رشد معنوی مورد توجه قرار گرفته است که ممکن است هم برای مشاوره معنوی و هم برای مشاوره عمومی حائز اهمیت باشد.

رومی و فیه ما فیه

در مولانا هر چیزی با تصاویر درک می‌شود. هر تجربه‌ای در بعد خیالی ظاهر می‌شود. تجربه او از هیچ (فنا) علیرغم این واقعیت که هیچ چیزی فراتر از تصاویر مختلف نیست، تجربه‌ای تخیلی است. کتاب فیهی ما فیه او گزارشی از این بحث‌های معنوی است که اغلب به دنبال موسیقی و رقص، خواندن اشعار و عبارات مقدس، و تمرین معروف درویشی در حال چرخش است که از تمایل مولانا برای زنده کردن و ایجاد گشایش معنوی برای مردم نسبتاً غمگین قونیه ترکیه در زمان او سرچشمه گرفته است. انواع تجربه‌ها در مولانا، حوزه تصاویر را در آگاهی او تحریک می‌کند تا تصاویر دقیق آنها در ذهن او ایجاد شود. به عبارت دیگر، او تجربیات فراتر از تصاویر و توصیفات را در حوزه تصاویر آگاهی خود دوباره تجربه می‌کند. این حوزه از تصاویر در فلسفه صوفیانه جهان تصاویر ازلی (عالم المثل) نامیده می‌شود که مولانا آن را قلمرو تصاویر ذهنی می‌نامد. این جهان تصاویر ازلی، جهان غیر مادی مستقلی است که در آن حتی مفاهیم ناب از طریق تصاویر و موجودات مادی در صورت‌ها و تصاویر غیر مادی خود ظاهر می‌شوند. در لحظه گذار از حالت آرامش مطلق به حالت فعالیت در هوشیاری، تصاویر بی‌شماری در آگاهی او پدیدار می‌شوند که از ورود به ذهن به وجد آمده‌اند و هر یک از آن تصاویر کلمه خود را انتخاب می‌کند تا بیان مستقیم زبانی خود را به دست آورد. از آنجا که کلمات و عبارات مولانا در چنین فرآیندی به بیان زبانی تبدیل می‌شوند، کلام او با اخلاص لذت‌بخشی از تصاویر رنگ آمیزی می‌شود.

دیدگاه زبانی مولانا در رابطه با تأثیرات آن، در کتاب «گفتارهای مولانا» بارها بیان شده است. او در این اثر زبان را با چیزهای مختلف از جمله آب، خورشید، کشتی و... مقایسه می‌کند. در یک جا، او نقش زبان را که در بیاناتش دیده می‌شود بسیار تقدیر می‌کند: گفتار مانند خورشید است. همه مردان گرما و زندگی را از آن می‌گیرند. خورشید همیشه موجود و حاضر است و همگان همیشه از آن گرم می‌شوند» (مولانا، ۱۲۷۳، باب ۵۲).

تصوف در فیه ما فیه

مولانا در کودکی مورد تصدیق صوفیان قرار گرفت. آینده بزرگ او را دیدند. پدرش صوفی بود و مولانا با این سنت تربیت شده بود. بدین ترتیب مولانا به یک روشنفکر، معلم و فیلسوف محترم تبدیل شد. این حداقل نقش او بود تا اینکه با درویش سرگردان شمس تبریزی آشنا شد. مولانا کتاب هایش را دور انداخت زیرا با معلم و روشنگر دل خود آشنا شده بود. اکنون دانشجو بود. کلمن بارکز مترجم مولانا از او نقل می‌کند که «آنچه را که قبلاً به عنوان خدا می‌پنداشتم، امروز در یک انسان دیدم». این یکی از اسرار صوفیه است.

عارف صوفی به دنبال اتحاد با معشوق است - و این معشوق الله است (حضور غیر جنسیتی که عالم از آن تجلی می یابد). رابطه معلم و شاگرد یک عنصر مرتبط از تجربه صوفیانه است. دانش آموز از طریق یک شناخت درونی به سمت این معلم کشیده شده است - می توان گفت که دانش آموز جذب فضای نفس الهی است. در تصوف این گونه اقرار شده است که عشق، عاشق و معشوق یکی هستند. معلم معشوق را لمس کرده و قلب او به روی عشق گشوده شده است. این تجربه گرم و «احساس خوبی» نیست که بتوان در یک لحظه از دست داد. بلکه پیوندی بی نظیر از قلبهاست که فراتر از هر ایده آل عاشقانه یا مفهوم ذهنی است. این آتشی است که قلب و تعالیم و شعر مولانا را روشن کرد. بعد از این همدلی هیچ چیز مهم نبود.

سخنان مولانا در عین حال که درمان روح است، از طنز و سرگرمی هراسی ندارند. برخی از سخنانش بیانگر لذت های زندگی هستند و برخی دیگر در مورد بدبختی هستند. که می تواند به راحتی روح هر انسانی را به اسارت خود درآورد. حتی شعرهای بسیار احساسی وجود دارد که عشق را با صراحتی تقریباً فیزیکی جشن می گیرند. به طور خلاصه، این نوشته ها تمامیت تجربه انسانی را در بر می گیرند. و با این حال، آنها بیش از این نیز هستند. آنها به سوی پروردگار، به سوی عشقی ابدی و مقدس می نگرند، جایی که "ما در آن افتاده ایم و همه چیز موسیقی است."

عمل گرایی در ترجمه فیه ما فیه

برای تشخیص معادل سازی عمل گرایانه در ترجمه، می توان دو نوع اصل را برای راهبرد عمل گرایانه اتخاذ کرد، اولی انتقال اطلاعات اصلی و مقصود متن اصلی و دیگری حفاظت از شناخت خواننده است. بنابراین، در کنار نتایج فوق که حاصل از تحلیل تطبیقی تفاوت های عمل گرایانه بین مطالب فارسی و انگلیسی است، می توان از راهبردهای عمل گرایانه زیر در ترجمه فرآیندی فیه ما فیه استفاده کرد.

۱) نیروی عملی اصطلاحات صوفیانه.

نیروی عمل گرایانه کلمات، معنای کلمات در کاربرد عملی است. نیروی عمل گرایانه شامل معنای ضمنی مرکب و معنای لغوی تفسیری می باشد. از آنجایی که معنای تحت اللفظی منظور صحیح اصطلاحات اصلی نمی باشد، ترجمه باید بر اساس زمینه باشد که مفهوم ضمنی کلمات را متمایز کند و سپس سعی بر ترجمه مقصود ضمنی آن داشته باشد. دوم اینکه، ترجمه تفسیری برای پر کردن پیش فرض های فرهنگی، تنظیم آن برای بیان تفاوت های فرهنگی می باشد. به دلیل وجود پیش فرض های فرهنگی بین شاعر و گیرنده، ترجمه ها باید با افزودن کلمات، تفسیر و توضیح داده شوند تا قابلیت فهم ترجمه بیشتر شود.

مطالعات تجربی پیشین

شیمیل که مطالعات گسترده ای در مورد مولانا داشته و به عنوان یک متخصص مهم در این زمینه پذیرفته شده است، نشان می دهد که مردم تصویر فکری منحصر به فرد یا کل نگری از او ندارند (۲۰۰۳، ص ۱۴۹). به گفته شیمیل، نمونه مثنوی تقریباً شامل کلیه نظریات صوفیانه است که در قرن سیزدهم شناخته شده بودند. با این وجود نمی توان از داستان ها و روایات، یک نظام فکری صوفیانه روشن استخراج کرد. هر مفسری که مثنوی را بررسی

می کند ممکن است به هر میزانی که بخواهد مضامینی بیابد، از عرفان شخصی، وحدت وجود و زرق و برکت عشق گرفته تا درک اهل سنت (اهل سنت؛ شیمل، ۱۳۸۰). دیدگاه مولانا در مورد خالق و خلقت نیز به طور آشکاری از قرآن الهام گرفته شده است (شیمل، ۱۳۸۰، ص ۱۶۸).

تبریزی و پزشکی (۱۳۹۴) به بررسی راهکارهای مورد استفاده در ترجمه کتاب فنی ویژه بررسی خلأهای واژگانی پرداخته اند. در پژوهش آنان، هفتاد واژه جدید که در زبان فارسی (در آن رشته) به کار نرفته اند، انتخاب و بررسی شدند، تحلیل کمی و کیفی واژه‌ها نشان داد که واژه‌های امانتی برجسته‌ترین رویه برای مقابله با واژگان جدید بوده است. علاوه بر این، نشان دادند که ترجمه امانتی بالاترین میزان استفاده (۶۸/۵ درصد) را در بین سایر تکنیک‌ها و در زمینه‌های علمی داشته است و به‌طور گسترده‌ای ارجحیت دارد. اما الجابری (۲۰۰۸) ادعا کرده است که ترجمه تحت اللفظی یکی از دلایل نامفهوم بودن ترجمه‌های قرآن است. او معتقد است که ممکن است در فرهنگ گیرنده هیچ شی یا رویدادی وجود نداشته باشد که با همان شیء در متن مبدأ مطابقت داشته باشد. بلکه تابع معادلی است که با یک شی یا رویداد دیگر نشان داده می شود. الجابری در نتیجه گیری خود می نویسد که نتایج پرسشنامه ای که او توزیع کرده است نشان می دهد که مثال های ارائه شده برای ۹۵/۲۴ درصد از پاسخ دهندگان نامفهوم بوده است. او ادعا کرده است که سبک، ترجمه تحت اللفظی، تفاوت‌های فرهنگی، استفاده از کلمات قدیمی، و نویسه‌گردانی، املاء و نشانه‌گذاری غیرمعمول و استفاده بیش از حد از پرانتز از دلایل اصلی نامفهوم بودن ترجمه است.

روش تحقیق

به منظور بررسی کاربردی ترجمه فارسی به انگلیسی کتاب فیه ما فیه، در این پژوهش، از تحقیق کیفی، مطالعه موردی و غیر تجربی استفاده شده است. انسجام و مفهوم به عنوان دو جنبه مهم رویکرد عمل گرا در گفتمان فیه ما فیه مورد توجه قرار گرفته است. انسجام، شبکه ای از روابط سطحی است که کلمات و عبارات را به کلمات و عبارات دیگر در متن پیوند می دهد و انسجام، شبکه ای از روابط مفهومی است که زیربنای متن سطحی است. انسجام به استخراج روابط مفهومی کمک می کند. روابط معنایی را می توان با انسجام به وضوح درک کرد.

ده بخش از فیه ما فیه که توسط آربری ترجمه شده است به عنوان مجموعه پژوهش انتخاب شده اند. این ترجمه ها با پیروی از رویکرد عمل گرایانه و برداشتن گام های دقیق در انجام این تحقیق مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. به گفته لیچ (۱۹۸۳)، چارلز موریس (۱۹۷۴) اولین تعریف مدرن از عمل شناسی را ارائه کرد و از آن زمان بسیاری از متخصصان دیگر به مفهوم سازی این شاخه از زبان شناسی ادامه دادند. موریس (۱۹۷۴) در اصل عمل شناسی را این گونه تعریف کرد: «رشته ای که روابط نشانه ها را با مفسران مطالعه می کند، در حالی که معناشناسی روابط نشانه ها را با اشیایی که نشانه ها برای آنها قابل اعمال است مطالعه می کند» (همانطور که در ص. ۱۷۲ از لیچ، ۱۹۷۴ نقل شده است).

یافته های پژوهش

مولانا نه تنها به بیان داستان‌هایی برای تعلیم و فهم فلسفی و دینی می پردازد، آن گونه که ترجمه‌های پیشین نیز بر آن تأکید کرده‌اند، بلکه کلام او برای انتقال چیزی مهم ساخته شده است. همانطور که بارها صوفی‌ها گفته‌اند، این موضوع را نمی توان از بیرون بررسی کرد، فقط از درون می توان آن را کشف کرد. بدون شک چنین اظهاراتی باعث اختلاف نظر خواهد شد، اما فقط کافی است به گفتار خود مولانا رجوع کنیم تا نظرات خود او را در این زمینه ببینیم. مولانا بارها و بارها از کسانی انتقاد می کند که حس ظاهری اشیاء را به طور طولانی مطالعه می کنند، اما حقیقت درونی را از دست می دهند. این احتمال وجود دارد که گفتارهای مولانا فقط برای کسانی جذاب باشد که تمایل به تلاش برای مطالعه سخنان او دارند. اما اگر خواننده تمایل به مطالعه دقیق داشته باشد، باید بتواند نگاه اجمالی بیشتری به رابطه مولانا با زندگی و صمیمیت مستی آور روحی او با راه عشق پیدا کند.

مولانا خود در فیه ما فیه خود اقرار می کند که سخنان او در گفته می شود که حرف هایش به اختیار خودش نیست. کلمات از جایی بیرون می آیند و به جایی سرازیر می شوند. جریان کلام دارای آهنگ و نوسان وصف ناپذیری است که با آهنگ و نوسان آگاهی عارفان در حالت مراقبه یکسان است. به این ترتیب شعر و عرفان در مولانا یکی می شوند. در مورد اشعار مولانا نمی توان این گونه گفت که او تجربه عرفانی خود را با اشعار خود بیان کرده است. اما باید گفت که تجربه شعری او با تجربه عرفانی او برابری می کند. در مورد او خود سخنانش در حالت مستی عرفانی است. این مستی نه تنها در معنای بیان شده بلکه در جریان کلمات سوا از معنای آنها وجود دارد. بنابراین خود الفاظ، مستی عرفانی است. بسیاری از واژه‌هایی که مولانا به کار می برد، در بافت اسلامی خود معنایی بسیار متفاوت با معنای مسیحی خود دارند. به عنوان مثال، کلمه «ایمان» در میان بسیاری از صوفیان، بسیار نزدیک‌تر به آن چیزی است که می توان آن را «علم» نامید. این همان "باور" نیست، که به نحوه انتخاب یک شخص برای دیدن چیزها اشاره دارد. کویکرها (تابعین یک گرایش دینی) اصطلاحی به نام «اقناع» داشتند که برخی از این موارد را بیان می کند، اما همچنان بیش از حد به حق انتخاب انسان در این مورد خیانت می کند. همانطور که مولانا از کلمه «ایمان» استفاده می کند، او به جای صحبت درباره فروخته شدن با برخی آموزه‌ها، بیشتر در مورد تأثیر تجربه ی چیزی صحبت می کند که نگاه ما را به زندگی تغییر می دهد.

گاهی برخی از گفتارهای مولانا حیرت آور است و به پیش فرض های ما لطمه وارد می کند. او غالباً حکایتی را در گفتار خود دخیل می کند که می تواند تفسیرهای زیادی داشته باشد و خواننده را به تأمل وا دارد. این گفتمان‌ها در جدول ۱ خلاصه شده اند.

جدول ۱. تجزیه و تحلیل گفتمان های منتخب

شماره گفتمان	خلاصه ترجمه	بررسی عملگرا
گفتمان ۷	یکی عاشق زن است، یکی عاشق مال است، دیگری عاشق کسب مال و دیگری به کسب علم عشق می ورزد. همه بر این باورند که درمان، شادی، لذت و آسایش آنها در همین یک چیز است.	ضرورت وحدت برای رسیدن به مقصود
گفتمان ۱۱	دلها بر یکدیگر گواهی می دهند، که اشاره به حقیقتی پنهان دارد. امیر گفت: «قطعاً دل گواهی می دهد. اما قلب یک نقش را به تنهایی	۱) قدرت درونی برای درک خدا.

	ایفا می کند، گوش نقشی دیگر، چشم نقشی دیگر و زبان نقشی دیگر دارد.	۲) ایمان عاشق به معشوق
گفتمان ۲۲	اصل قضیه این است که ابن چاویش باید از غیبت شیخ صلاح الدین بپرهیزد. شاید به نفع او باشد و این سایه ها و این پوشش از او دور شود.	سرزنش شاگردی به دلیل غیبت از یکی از اعضای حلقه
گفتمان ۲۷	درویشی مریدی داشت که برای او گدایی می کرد. روزی به خاطر التماسش مقداری غذا برای مادرش آورد. درویش همانند غذا است. در آن شب او تشعشعات شبانه را تجربه کرد.	درویش باید مواظب باشد تا حق کسی را نخورد
گفتمان ۳۳	اگر انسان نزد حاجت خود باشد، نزد حاجت دهنده نیز خواهد بود. اگر دائماً به زنجیر خود چسبیده باشد، پیوسته به گیرنده زنجیر وابسته است.	هر کسی به راهنمایی نیاز دارد به او جهت می دهد
گفتمان ۳۶	صد هزار فرم توسط عشق مطرح شده است، به طور یکسان به تصویر کشیده شده و تحقق یافته است. اگرچه هیچ تصویری بدون نقاش وجود ندارد، اما نقاشی شاخه است و نقاش ریشه است.	ارزش عشق در زندگی مولانا
گفتمان ۴۳	دوست ما دلتنگ معنای واقعی چهره اش شده است. او این حجاب بدنی را صورت می پندارد و آئینه این حجاب، آئینه صورت اوست. صورتت را بپوش تا مطمئن شوی که من آینه ای از خود واقعی تو هستم.	رابطه بین خدا و سالک
گفتمان ۶۹	میان انسان و خدا دو حجاب است و حجابهای دیگر از این حجاب آشکار می شود: این دو سلامتی و ثروت هستند.	سلامتی مانعی برای یافتن خداست
گفتمان ۷۰	هر جا که مردم قفل بزرگی قرار دهند، نشانه آن است که چیزی گرانبها و با ارزش پیدا می شود. بنابراین، هر چه حجاب بزرگتر باشد، عنصر بهتر است.	دعوتی برای پذیرش جنبه شیطانی جسم و روحشان به عنوان کلیدی برای رسیدن به گنجی ارزشمند با غلبه بر آن.
گفتمان ۷۱	پرندهگان بر روی بال های خود به سوی یک جهت خاص پرواز می کنند، در حالی که انسان های باهوش بر روی بال های آرزوهای خود به دور از همه جهات پرواز می کنند.	میل عمیق انسان برای رسیدن به هدف خود با پیروی از قلب و گوش دادن به ندای درون.

نتیجه گیری و مفهوم

مولانا در گفتارهای خود زبانی نو را به طور استنادانه بیان کرد. مولانا شاعر درباری نبود. در واقع، همدردی او با با ثروتمندان نبود بلکه با طبقات متوسط و پایین بود و او بیشتر به سنت «شاعران ناآموخته و بی سواد» تعلق دارد. گفتارهای او مربوط به فرآیند تحول روحی است. بسیاری از واژه‌هایی که مولانا به کار می‌برد، در بافت اسلامی خود معنایی بسیار متفاوت با معنای مسیحی خود دارند.

در این پژوهش، مرزهای محدودیت در مطالعات تطبیقی شاعران و فرآیند ترجمه آورده شده است. بسیاری از محققین برای درک بهتر آثار مولانا و شکسپیر به شوق آمده اند. با مرور این پژوهش، دنیای وسیعی از معنویت و تصوف مورد بررسی قرار می‌گیرد.

با این پژوهش و با نگاهی عملگرایانه به ترجمه فارسی به انگلیسی کتاب فیه ما فیه، می‌توان نقطه عطفی را در ادبیات یک فرهنگ مشخص کرد. اهمیت این پژوهش در این است که محقق می‌تواند تأثیرات بعدی ترجمه یک پدیده متنی بین‌المللی را بر نظام ادبی یک جامعه مورد بررسی قرار دهد. بنابراین، هنگام ترجمه متون دوره های مختلف، مترجمان ممکن است بتوانند این تفاوت ها را هم از نظر سبکی و هم از نظر موضوعی درک کنند.

منابع

1. Baker, M. (1992). In Other Words: A Coursebook on Translation. London: Routledge.
2. Ballim, A. , & Wilks, Y. (1991). Artificial Believers: The Ascription of Belief (1st ed.). Psychology Press. <https://doi.org/10.4324/9780203771822>
3. Bell, A. (1991). Translation and Translating. Theory and Practice, Londres/New York, Longman, coll. Applied Linguistic and Language Study, 298 p. ". Meta 38, no. 3 (1993): 537–542. <https://doi.org/10.7202/002801ar>.
4. Blum-Kulka (eds.), Interlanguage pragmatics. Oxford & New York: Oxford University Press, 1993. Pp. vi, 253.
5. . Language in Society, 24(2), 270-273. doi:10.1017/S0047404500018649
6. Catford, J. C. (1965). A Linguistic Theory of Translation. Oxford: Oxford University Press.
7. CRYSTAL, D. (1986). What is linguistics? London: Edward Arnold
8. Ehrman, M. (1993). Second Language Research on Individual Differences. Annual Review of Applied Linguistics, 13, 188-205. <https://doi.org/10.1017/S0267190500002464>
9. Fromkin, V. , and Rodman, R. , An Introduction to Language, 5th edn (New York: Harcourt Brace Jovanovich, 1980).
10. Golpinarli, A. (2012). Mevlana. İstanbul, Turkey: Kapı Yayınları.
11. Hatim. B and Mason, 1990, Discourse and the Translator, Longman, Edinburg Gate: Harlow.
12. Leech, G. (1983). Principles of Pragmatics. London, New York: Longman Group Ltd
13. Franklin D. L. (2000). Rumi Past and Present, East and West: The Life, Teachings and Poetry of Jalâl al-Din Rumi, Oxford.
14. Matsumoto, A. (2009). On Rumi's Philosophy of Language. Sophia Perennis, 05(09), 39-98.
15. Morris, Charles W. The Pragmatic Movement in American Philosophy /Charles Morris. New York: G. Braziller, 1970. Print.
16. Newmark, P. (1988). A Textbook of Translation. Hertfordshire: Prentice Hall.
17. Nida, E. A. (1964). Towards a Science of Translating: With Special Reference to Principles and Procedures Involved in Bible Translating. Leiden: Brill.
18. Nida, E. A. & Taber. (1982). The Theory and Practice of Translation. Leiden: E. J. Brill.
19. Panou, D. (2013). Equivalence in Translation Theories: A Critical Evaluation, 3(1), 1–6. <https://doi.org/10.4304/tpls.3.1.1-6>
20. Schimmel, Annemarie. (2001). Rumi's World: The Life and Works of the Greatest Sufi Poet. Boston: Shambhala.
21. Tabrizi, H & Pezeshki, M. (2015). Strategies Used in Translation of Scientific Texts to Cope with Lexical Gaps (Case of Biomass Gasification and Pyrolysis Book). Theory and Practice in Language Studies. 5. 1173. 10.17507/tpls.0506.07. Verschueren, & Östman, J. - O. (2009). Key notions for pragmatics edited by Jef Verschueren, Jan-Ola Östman. John Benjamins Pub. Company.
22. Wilss, W. (1982). The Science of Translation. Problems and Methods. Vol. 80, Tübingen: Narr.